

چالش‌ها و راهبردهای پیشگیرانه وضعی در قبال جرایم زیست محیطی

اسماعیل کشکولیان^۱

فاطمه کریمی‌ان عمر و آبادی^۲

چکیده

لزوم مقابله و پیشگیری وضعی از جرایم و تعرضات نسبت به محیط زیست همواره مورد توجه نظام قضایی ایران قرار داشته؛ اما در این راستا همواره با چالش‌هایی متعددی مواجه بوده است. این مطالعه با هدف شناسایی این چالش‌ها، راهبردهای علمی و مؤثر در جهت مقابله با جرایم زیست محیطی در نظام کیفری ایران ارائه شده است. روش تحقیق در این پژوهش به صورت توصیفی - تحلیلی است. ابزار گردآوری داده‌ها کتابخانه‌ای، از طریق مطالعه کتب، مقالات و آثار علمی مرتبط با موضوع است. یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد، از رهگذر مفید بودن بکارگیری فناوری‌های جایگزین انسان به عنوان راهبردی مطلوب در پیشگیری وضعی در قبال جرایم زیست محیطی، آنچه موجب چالشی عمیق در این حوزه شده است عدم اتخاذ راهبردهای پیشگیرانه کرامت‌مدار توسط دولت به عنوان متولی اصلی این امر در جهت بکارگیری مشارکت جامعه نهادهای غیر دولتی می‌باشد، چراکه شایسته نیست، پیشگیری از بروز جرایم زیست محیطی موجب خدشه بر آزادی‌های فردی و حقوق افراد در جامعه شود. لذا استفاده از فناوری جهت پیشگیری وضعی نباید افراطی باشد و در کنار استفاده متعادل از آن، باید از نهادهای غیردولتی نیز کمک گرفت. نتایج نشان می‌دهد که راهبردهای پیشگیری وضعی در قبال جرایم فوق، صرفاً به دنبال اتخاذ اقداماتی است که در تصمیم بزهکاران بالقوه تأثیر گذارد، با این وجود، هزینه‌ی کمتری را بر جامعه تحمیل می‌نماید. لذا این شیوه پیشگیری، در کشور ما از سوی مسئولان قضایی با استقبال بیشتری مواجه شده است.

کلید واژه‌ها: پیشگیری وضعی، جرایم زیست محیطی، جرم شناسی سبز، محیط زیست.

Email: Esmail.kashkoulia^{۶۷}@gmail.com

Fateme^{۱۹۹۶}karimiyan@gmail.com

^۱ . دکتری حقوق، گروه حقوق کیفری و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (نویسنده مسئول).

^۲ . کارشناسی ارشد حقوق خانواده، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمینی شهر.

در جوامع گذشته غالباً مجازات به عنوان تنها راهکار مبارزه علیه جرم و به تعبیر صحیح‌تر مجرم تلقی می‌شد و شدت و قاطعیت در اجرای آن را موجب کاهش بزهکاری می‌دانستند. در اوایل قرن نوزدهم با تغییر نگرش به پدیده مجرمانه در اروپا، عوامل وقوع جرم مورد توجه قرار گرفت و مکاتب جرم‌شناختی و دفاع اجتماعی، نظریات مربوط به جرم و مجرم را ابراز نمودند (میرخلیلی، ۱۳۹۸: ۱۹-۱۸). به مرور زمان، تحولات ناشی از پیشرفت در بزهکاری، منجر به پیشرفته شدن تدابیر پیشگیری از وقوع جرم و پیدایش پیشگیری مبتنی بر موقعیت (وضعی) گردید.

پیشگیری وضعی به بیان ساده در برگیرنده مجموعه اقدامات و تدابیر غیرکیفری است که از طریق از بین بردن یا کاهش فرصت‌های مناسب برای وقوع جرم و نامناسب جلوه دادن شرایط و موقعیت پیش‌جنایی، از ارتکاب جرم جلوگیری می‌کند (چاله، ۱۳۹۸: ۶). نایجل ساوت، جرم‌شناس انگلیسی، در تعریف پیشگیری وضعی می‌نویسد: «پیشگیری وضعی از جرم بر اداره، طراحی و کنترل محیط فیزیکی (ساخته شده) اتکا دارد. به این منظور، فرصت‌های ارتکاب جرم را کاهش داده و یا خطر تعقیب را در صورتی که ارباب مؤثر واقع نشود، افزایش می‌دهد» (صفاری، ۱۳۹۷: ۳). این نوع از پیشگیری با توجه به شرایط بزهکار، نوع جرم، اهداف و موضوعات جرم و خصوصیات بزه‌دیده، اقداماتی را به اجرا می‌گذارد که فرآیند آن‌ها، موجب از بین رفتن و یا تضعیف موقعیت‌ها و فرصت‌های ارتکاب جرم خواهد شد. به بیان دیگر، راهبردهای پیشگیری وضعی، متنوع بوده و از محافظت از آماج‌ها و کنترل ابزار بزهکاری تا نظارت و کنترل بزهکار و مراقبت از بزه‌دیدگان و آموزش آنان را مد نظر قرار می‌دهد (میرخلیلی، پیشین: ۲۱). این نوع پیشگیری، به خاطر تمرکز خاصی که بر موقعیت و مکان وقوع جرم دارد و همچنین به خاطر اختصاص آن به جرائم خاص، از سایر راهبردهای پیشگیری، متمایز است.

۱- راهبردهای پیشگیرانه وضعی در قبال جرایم زیست محیطی

۱-۱- از منظر اهداف

پیشگیری موقعیت‌مدار یا وضعی یعنی تغییر اوضاع و احوال و شرایط خاصی که احتمال ارتکاب جرم در آن زیاد است به منظور دشوار نمودن، پرخاطر کردن یا فرصت‌زدایی ارتکاب جرم (ابراهیمی؛ رجبی، ۱۳۸۹: ۸). با توجه به تعریف مزبور می‌توان راهبردهای پیشگیرانه وضعی را از منظر اهداف آن‌ها به سه دسته تقسیم نمود: الف) راهبردهایی که در پی دشوار نمودن ارتکاب جرم و انجام فرآیند آن هستند. ب) راهبردهایی که هدف غایی آن‌ها افزایش خطر ارتکاب جرم است. ج) راهبردهایی که معطوف به زدودن فرصت مجرمانه هستند.

۱-۱-۱- راهبردهای دشوار کننده

یکی از راهبردهای پیشگیری وضعی که کلارک معرفی کرد، راهبرد «افزایش دشواری ارتکاب جرم» است (صفاری، ۱۳۹۷: ۷). اگر بتوان با استفاده از تکنیک‌هایی، زحمت فردی را که قصد ارتکاب جرم دارد، در راه رسیدن به هدف مورد نظرش افزایش داد، می‌توان انتظار داشت که از ارتکاب جرم منصرف شود. حال باید دید که در مورد جرایم زیست محیطی چگونه می‌توان این راهبرد را اجرایی نمود.

۱-۱-۱- محافظت از آماج جرم

به طور کلی و با نگاهی اقتصاد محور، می‌توان مدعی شد که دو عرضه کننده برای جرم قابل تصور است: بزه‌دیدگان عرضه کننده و بزهکاران عرضه‌کننده. اقتصاددانان در تبیین این وضعیت‌ها معتقدند که بزه‌دیدگان، تولیدکنندگان ناخواسته‌ای برای عرضه موقعیت‌های بزهکارانه‌اند و بزهکاران برای این موقعیت‌ها، مشتری ایجاد می‌کنند. عرضه از سوی بزه‌دیدگان زمانی قابل تصور است که برخی از افراد در یک جامعه با میزان معینی از خطر ارتکاب جرم، به طور ناخواسته موقعیت‌های بزهکارانه را ایجاد کنند که پایین‌تر از ریسک متعارف در جامعه است. (بابایی؛ انصاری، ۱۳۹۸: ۸۲) به عبارت دیگر، برخی از آماج‌ها، وضعیت‌های بزهکارانه را به صورتی آسان و کم هزینه برای بزهکاران فراهم می‌نمایند (Roman & Farrell, ۲۰۱۷: ۶۳). به گونه‌ای که نه تنها مجرمان حرفه‌ای، اینگونه آماج‌ها را بر آماج‌های حفاظت شده ترجیح می‌دهند، بلکه مجرمان غیرحرفه‌ای و بالقوه نیز چنانچه با شرایط سهل و آسان ارتکاب جرم مواجه شوند، نسبت به ارتکاب جرم وسوسه می‌شوند. (میرخلیلی، ۱۳۸۸: ۲۸-۲۷) ذکر این نکته نیز ضروری است که آماج در پیشگیری وضعی، دارای دو مفهوم است؛ در مفهوم نخست، اشیاء را شامل می‌شود و در مفهوم دوم، افراد نوع بشر را مد نظر قرار دارد (Clarke, ۲۰۱۵: ۱۷). با توجه به آنچه گفته شد، اصطلاح حفاظت و تقویت آماج‌ها نیز در مورد یکی از روش‌های پیشگیری وضعی از بزهکاری به کار می‌رود که هدف آن، افزایش امنیت آماج‌های جرم است تا از این طریق، ارتکاب جرم برای مجرمان دشوارتر و خطر ناشی از آن بیشتر شود. نصب قفل و وسایل امنیتی، بردن آماج‌های در معرض خطر به مکان امن‌تر، کنترل دسترسی و امثال آن، بخشی از تدابیر مرتبط با تقویت آماج ذکر می‌شود.

۱-۱-۲- منع یا محدودیت ابزار ارتکاب جرم

یکی دیگر از تکنیک‌های راهبرد «افزایش دشواری ارتکاب جرم»، دور ساختن ابزارهای ارتکاب جرم از دسترس بزهکار بالقوه است؛ یعنی اگر ابزارهای ارتکاب جرم در دسترس او قرار نگیرد یا با صرف زحمت بسیار بتواند به آن‌ها دست یابد یا تجربه اینگونه کارها را نداشته باشد، ارتکاب جرم برای او دشوار می‌شود و ممکن است باعث انصراف او گردد (میرخلیلی، ۱۳۹۸: ۱)، (۱۸۳). در نظام حقوقی ایران و مرتبط با جرایم زیست محیطی، از مهمترین راهبردهای پیشگیرانه وضعی ناظر به منع یا محدودیت ابزار ارتکاب جرم می‌توان به محدودیت در استفاده از سموم به منظور مبارزه با آفات نباتی، جانوران و حشرات موزی در صورت مغایرت با بهسازی محیط زیست (تبصره ماده ۹ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست مصوب ۱۳۵۳)، الزام افراد شاغل به کار با اشعه نسبت به رعایت و اجرای مقررات و دستورالعمل‌های مربوطه (ماده ۱۲ قانون حفاظت در برابر اشعه مصوب ۱۳۶۸)، ممنوعیت استفاده از وسایل نقلیه موتوری دودزا و آلاینده (ماده ۴ قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا مصوب ۱۳۷۴)، منوط شدن ساخت، تولید و ورود وسایل نقلیه موتوری، موتور و سایر قطعات مرتبط با احتراق وسایل نقلیه از قبیل کاربراتور و فیلتر به رعایت استانداردهای حفاظت محیط زیست (ماده ۸ قانون فوق‌الذکر)، ممنوعیت رانندگی با وسیله نقلیه‌ی فاقد برگ معاینه فنی معتبر (ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی نحوه انجام معاینه و صدور برگ معاینه فنی خودرو مصوب ۱۳۸۲)، ممنوعیت مخلوط کردن پسماندهای پزشکی با سایر پسماندها و تخلیه و پخش آن‌ها در محیط و یا فروش، استفاده و بازیافت این نوع پسماندها (ماده ۱۳ قانون مدیریت پسماندها مصوب ۱۳۸۳)، ممنوعیت انباشت پسماندهای خانگی و ساختمانی در معابر عمومی و فضای باز خارج از مکان‌های تعیین شده توسط شهرداری‌ها و دهیاری‌ها یا سوزاندن آن‌ها (ماده ۲۰ قانون هوای پاک مصوب ۱۳۹۶) اشاره نمود.

۱-۱-۲- راهبردهای خطرآزا

رویکرد پیشگیرانه وضعی به دنبال متأثر نمودن وضعیت پیش جنایی است. وضعیت پیش جنایی را می‌توان مجموعه اوضاع و احوالی دانست که قبل از وقوع جرم وجود داشته و روند گذر مجرم از اندیشه به عمل مجرمانه را تسریع می‌بخشند. پیشگیری وضعی از جرم، به کار گرفتن راهبردهایی است که گذر از اندیشه به فعل مجرمانه را مختل نماید (رایجیان اصلی، ۱۳۹۲: ۱۲۶).

یکی از این موارد، بکارگیری راهبردهای خطر افزا است؛ به گونه‌ای که فرد با محاسبه سود و زیان ارتکاب جرم از ارتکاب جرم منصرف گردد. بنابراین، اگر فرد از اقدامات وضعی به کار گرفته شده احساس خطر نماید یا وضعیت مورد نظر را به دست نیاورد، در عبور از مسیر مجرمانه به فعل مجرمانه صرف نظر خواهد کرد. به عبارت دیگر، چنانچه فرد در محاسبه خود، سود و منفعت ارتکاب جرم را در مقایسه با آثار زیانبار جرم ناچیز بداند، از ارتکاب جرم منصرف خواهد شد. اعمال راهبردهای خطر افزا در صدد القای این پیام به فردی با انگیزه مجرمانه است که ارتکاب جرم با اعمال این راهبردها به راحتی امکان‌پذیر نخواهد بود؛ بنابراین به منظور مثر ثمر بودن این راهبردها در عمل، بایستی بزهدکار احتمالی از وجود آن‌ها از طریق تصریح در قوانین و مقررات و یا اعلان عمومی مقامات ذیربط قضایی و اجرایی آگاهی یابد.

۱-۲-۱- تقویت نظارت

در یک تعریف جامع می‌توان گفت: نظارت عبارت است از استفاده از راهکارهای عملی و مهارت‌های علمی برای بررسی انطباق فعالیت‌ها با قوانین و مقررات مورد عمل و کفایت آن‌ها به منظور ارزیابی میزان تحقق اهداف، پی بردن به نقاط ضعف و قدرت عملکردها، ارائه راه حل‌های اصلاحی و افزایش بهره‌وری (صفرخانی، ۱۳۹۴: ۲). نظارت و مراقبت رسمی، معروف‌ترین تکنیک پیشگیری وضعی از جرم است که می‌تواند افزون بر شیوه نظارت طبیعی همچون چراغانی کردن خیابان‌ها و افزایش فضای قابل دفاع، شامل انواع نظارت رسمی (همچون نظارت پلیس و مأموران شهرداری در سطح شهر) و یا غیررسمی (توسط شهروندان) باشد (افراسیابی، ۱۳۹۳: ۹). در نظام حقوقی ایران و مرتبط با جرایم زیست محیطی، از مهمترین راهبردهای پیشگیرانه وضعی ناظر به تقویت نظارت می‌توان به نظارت بر ضوابط و روش‌های مربوط به مدیریت اجرایی پسماندهای پزشکی از جانب وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، پسماندهای صنعتی و معدنی از جانب وزارتخانه‌های صنعت، معدن و تجارت، نفت و نیرو و پسماندهای کشاورزی از طرف وزارت جهاد کشاورزی (ماده ۱۱ قانون مدیریت پسماندها مصوب ۱۳۸۳) و همچنین کنترل و نظارت بر گواهینامه معاینه فنی وسایل نقلیه ریلی، هوایی و دریایی از جانب سازمان حفاظت محیط زیست (تبصره ۵ ماده ۶ قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا مصوب ۱۳۹۶) اشاره نمود.

۱-۲-۱-۱- بکارگیری ابزارهای کیفی در راستای پیشگیری

به طور کلی چنانچه پیشگیری همراه با سرکوبی نباشد، مثر ثمر واقع نخواهد شد؛ اگرچه عده زیادی از مدعیان پیشگیری، دیدگاهی مطلق و قاطع دارند؛ این عده یا در جبهه پیشگیری قرار می‌گیرند و یا در جبهه سرکوبی و رقیب خود را به اینکه مطلقاً «سرکوب‌مدار» و یا «پیشگیری‌مدار» است، متهم می‌کنند. صرف‌نظر از این بحث، مهمترین چالش این است که ببینیم چگونه پیشگیری و سرکوبی با همدیگر ترکیب می‌شوند و چگونه به طور متقابل همدیگر را تکمیل می‌کنند (ابراهیمی؛ رجبی، ۱۳۸۹: ۲۴). گاهی اوقات به منظور افزایش هرچه بیشتر خطر ارتکاب جرم در نظر مرتکبین بالقوه و همچنین بهینه‌سازی فرآیند پیشگیری وضعی از جرم، قانون‌گذاران و سیاست‌گذاران جنایی، علاوه بر بکارگیری راهبردهای غیرکیفری، از تدابیر کیفری و سرکوب‌گر نیز در این راستا مدد می‌جویند که اصطلاحاً تحت عنوان پیشگیری کیفری نیز شناخته می‌شود. پیشگیری کیفری از طریق تهدید مجرمین بالقوه، این پیام را به آن‌ها هشدار می‌دهد که در صورت نقض قانون و ارتکاب عمل مجرمانه، ریسک مورد نظر آن‌ها افزایش یافته و با واکنش‌هایی همانند حبس، شلاق، جریمه و ... مواجه خواهند شد. این نوع پیشگیری، اگرچه به تنهایی پاسخگوی نیازهای اجتماعی و امنیتی جامعه نمی‌باشد، اما با ادغام در پیشگیرانه غیرکیفری از جرم و استفاده از هر دو عنصر در کنار هم می‌توان عامل مهمی در زمینه کاهش جرم در اجتماع را فراهم کرد. البته ذکر این نکته ضروری است که در قانونگذاری

کشورهای مدرن، این پاسخ نسبت به پاسخ‌های مدنی، اداری، انضباطی در ردیف آخر قرار داشته و اولویت قانون‌گذار محسوب نمی‌شود، بلکه به عنوان آخرین حربه به کار گرفته می‌شود.

۱-۱-۳- راهبردهای فرصت زدا

منظور از پیشگیری وضعی، کاستن از فرصت‌هایی است که افراد با استفاده از آن می‌توانند مرتکب جرم شوند. پیشگیری وضعی به دنبال آن است که علاوه بر دشوار نمودن و افزایش خطر ارتکاب جرم، فرصت ارتکاب آن را نیز حسب مورد کاهش داده یا بزداید. به موجب ماده ۶ (ج) رهنمود پیشگیری از جرم، پیشگیری وضعی با کاهش فرصت‌ها، افزایش خطر دستگیری و کمینه‌سازی منافع از میزان جرایم می‌کاهد (جوان جعفری؛ سیدزاده ثانی، ۱۳۹۶: ۴۷). بر اساس تفکر حاکم بر نظریه فرصت، به صرف وجود بزه‌کار و بزه‌دیده جرم واقع نمی‌شود؛ بلکه باید فرصت مناسب برای انجام جرم وجود داشته باشد. به عبارتی دیگر مقتضی فراهم باشد و مانعی نیز وجود نداشته باشد (محمد نسل، ۱۳۸۹: ۲). بنابراین گرفتن فرصت به معنای کاستن از نقش شرایط زمینه‌ساز وقوع جرم است.

در نظام حقوقی ایران و مرتبط با جرایم زیست محیطی، از مهمترین راهبردهای پیشگیرانه وضعی فرصت‌زدا می‌توان به تعیین و قید تعداد درختی که در اثر ساختمان باید قطع شود در پروانه‌های ساختمانی از طرف شهرداری‌ها (تبصره ۳ ماده ۴ قانون حفظ و گسترش فضای سبز و جلوگیری از قطع بی‌رویه درخت مصوب ۱۳۵۲)، منوط شدن مبادرت به هرگونه شکار، صید، پرورش، تکثیر، نگاهداری و خرید و فروش جانوران وحشی و اجزاء آن به تحصیل پروانه یا اجازه از سازمان حفاظت محیط زیست (ماده ۸ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست مصوب ۱۳۵۳)، موقوف شدن احداث کارخانجات و کارگاه‌های جدید، توسعه و تغییر محل و یا خط تولید آن‌ها و همچنین احداث نیروگاه‌ها، پالایشگاه‌ها، کارخانجات پتروشیمی، کارخانجات صنایع نظامی، فرودگاه‌ها و ترمینال‌های بارگیری به رعایت ضوابط و معیارهای سازمان حفاظت محیط زیست از لحاظ محل استقرار (ماده ۱۲ و تبصره ۱ ماده ۱۳ قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا مصوب ۱۳۷۴)، الزام کلیه هواپیمای ثبت شده، به پرواز درآمده و یا تردد کننده در فرودگاه‌های ایران به رعایت ضوابط و استانداردهای سازمان هوانوردی بین‌المللی (IOCAO - ۱۹۷۴) (ماده ۹ آیین‌نامه اجرایی نحوه جلوگیری از آلودگی صوتی مصوب ۱۳۷۸) و ... اشاره نمود.

۱-۱-۴- راهبردهای تقنینی جزایی در حقوق موضوعه

از رهگذر اصل ۴۵ و ۵۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به عنوان رویکرد قانونگذار در مقرر فرآیند قانونی جهت حفظ محیط زیست به عنوان یکی از مصادیق حقوق عامه در راستای پیشگیری از تعدی و جرایم مرتبط با این حوزه می‌توان به قوانین دیگری به عنوان راهبردهای مربوط به موضوع حاضر اشاره نمود. باید اذعان داشت، در کنار قانون مجازات اسلامی (و مخصوصاً بخش تعزیرات این قانون) به عنوان قانون عام، قوانین خاص بسیاری وجود دارد که در کنار این قانون در راستای صیانت از محیط زیست و پیشگیری از جرایم در این حوزه راهبرد مناسبی را ایجاد نموده‌اند. همچنان که در ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی^۴

^۳. اصل ۴۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: «انفال و ثروت‌های عمومی از قبیل زمین‌های موات یا رها شده، معادن، دریاها، دریاچه‌ها، رودخانه‌ها و سایر آب‌های عمومی، کوه‌ها، دره‌ها، جنگل‌ها، نزارها، بیشه‌های طبیعی، مراتعی که حریم نیست، ارث بدون وارث، و اموال مجهول‌المالک و اموال عمومی که از غاصبین مسترد می‌شود در اختیار حکومت اسلامی است تا بر طبق مصالح عامه نسبت به آن‌ها عمل نماید. تفصیل و ترتیب استفاده از هر یک را قانون معین می‌کند.»

اصل ۵۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: «در جمهوری اسلامی، حفاظت محیط زیست که نسل امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می‌گردد. از این رو فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیرقابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است.»

^۴. ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی: «هر اقدامی که تهدید علیه بهداشت عمومی شناخته شود از قبیل آلوده کردن آب آشامیدنی یا توزیع آب آشامیدنی آلوده، دفع غیر بهداشتی فضولات انسانی و دامی و مواد زاید، ریختن مواد مسموم‌کننده در رودخانه‌ها، زباله در خیابان‌ها و کشتار غیر مجاز دام، استفاده غیرمجاز فاضلاب خام یا پس آب

بخش تعزیرات و نیز ماده ۹ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست، قانونگذار به یک تعریف واحد در خصوص آلودگی محیط زیست و منابع آبی و خاکی اشاره کرده است.

همچنین در تبصره ۲ ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ و ماده ۹ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست مصوب ۱۳۵۳ آمده است که منظور از آلودگی محیط زیست عبارت است از «پخش یا آمیختن مواد خارجی به آب یا هوا یا خاک یا زمین به میزانی که کیفیت فیزیکی، شیمیایی یا بیولوژیک آن را، به طوری که به حال انسان یا سایر موجودات زنده یا گیاهان یا آثار یا ابنیه مضر باشد، تغییر دهد».

بنابراین وضع قوانین کاربردی جزایی و منسجم با کارکردی پیشگیرانه از دیگر راهبردهایی می باشد که در قبال جرایم زیست محیطی می توان در کنار، بکارگیری ابزارهای کیفی در راستای پیشگیری در این حوزه استفاده نمود، چراکه اگر قانونگذار با وضع قوانین کاربردی در این حوزه اقدام به ایجاد مناسبات و زیرساخت های لازم جهت پیشگیری از جرایم زیست محیطی نکند، سایر اقدامات پیشگیرانه اثر مطلوبی را به دنبال ندارد. برای تبیین این موضوع و آشنایی با رویکرد قانونگذار در جهت وضع قوانین حمایتی از محیط زیست می توان به قانون شکار و صید که ابتدا در سال ۱۳۳۵ با تشکیل کانون شکار با حضور اعضا متشکل از یک وزیر، رئیس ستاد مشترک ارتش و ۶ نفر متخصص شروع به کار نمود و در طی این سالها به لحاظ اهمیتی که حفظ محیط زیست برای قانونگذار داشت در چند مرحله مورد اصلاح و تغییر قرار گرفت که در تکوین این قانون آخرین اراده قانونگذار بر اجرای قانون شکار و صید مصوب ۱۳۷۵/۹/۲۵ می باشد که به منظور حفاظت از نسل شکار و نظارت بر حفظ محیط زیست وضع گردید و در طی دهه های اخیر آیین نامه های مختلفی در حوزه های گوناگون مسائل زیست محیطی به تصویب مراجع مربوطه رسیده و به مورد اجرا گذارده شده است (قوام، ۱۳۷۵: ۲۵).

فلذا در مواد ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ قانون^۵ اخیر با توجه به این که مجازات های تزیلی و تریبی فقط در حقوق جزا به کار رفته است مشاهده می کنیم که قانونگذار با رویکردی سرکوب گرانه ناقضین این قانون را محکوم به حبس نموده است تا ضمن مجازات به

تصفیه خانه های فاضلاب برای مصارف کشاورزی ممنوع می باشد و مرتکبین چنانچه طبق قوانین خاص مشمول مجازات شدیدتری نباشند به حبس تا یک سال محکوم خواهند شد».

تبصره ۱- تشخیص این که اقدام مزبور تهدید علیه بهداشت عمومی و آلودگی محیط زیست شناخته می شود و نیز غیرمجاز بودن کشتار دام و دفع فضولات دامی و همچنین اعلام جرم مذکور حسب مورد بر عهده وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، سازمان حفاظت محیط زیست و سازمان دامپزشکی خواهد بود.

تبصره ۲- منظور از آلودگی محیط زیست عبارت است از پخش یا آمیختن مواد خارجی به آب یا هوا یا خاک یا زمین به میزانی که کیفیت فیزیکی، شیمیایی یا بیولوژیک آن را به طوری که به حال انسان یا سایر موجودات زنده یا گیاهان یا آثار یا ابنیه مضر باشد تغییر دهد.

۵. ماده ۱۱ - «کسانی که بدون پروانه مرتکب شکار یا صید گردند به حبس تأدیبی از ۱۱ روز تا دو ماه و یا جزای نقدی از یک هزار ریال تا ده هزار ریال محکوم می شوند.»

ماده ۱۲ - «کسانی که مرتکب اعمال زیر گردند به حبس تأدیبی از یک ماه تا سه ماه و یا به جزای نقدی از پنج هزار ریال تا بیست هزار ریال محکوم می شوند:

الف - شکار و صید در قرق های سلطنتی.

ب - شکار و صید حیوانات حمایت شده بدون پروانه.

پ - شکار و صید بدون پروانه در مناطق حفاظت شده و قرق های اختصاصی.

ت - تعلیف و تخریب و از بین بردن رستنی ها در پارک های وحش.

ث - بستن سد و کلهام "شیل" در مسیر رودخانه ها به منظور صید غیر مجاز.

ج - آلوده نمودن آب رودخانه ها و دریاچه ها و قنوت و برکه ها و مرداب ها به موادی که موجبات از بین بردن آبزیان را فراهم نماید.»

ماده ۱۳ - «کسانی که مرتکب اعمال زیر گردند به حبس تأدیبی از سه ماه تا یک سال و یا به جزای نقدی از بیست هزار تا پنجاه هزار ریال محکوم می شوند:

الف - شکار و صید یا از بین بردن حیوانات قابل شکار با استفاده از سموم یا مواد منفجره مانند دینامیت و غیره.

ب - شکار بدون پروانه آهو و جیبیر و گورخر و گوزن زرد.

پ - شکار و صید بدون پروانه پستانداران و آبزیان قابل شکار و صید که از خارج به کشور وارد و حمایت شده اعلام گردیده باشد.

نحوی به پیشگیری از جرایم علیه محیط زیست اقدام کند چراکه از قوانین مدنی در این حوزه نمی‌توان کارکردهای بازدارنده و پیشگیرانه را انتظار داشت و موضع قانونگذار در تقنین قوانین جزایی از حیث تناسب میان جرم و مجازات اهمیت زیادی برای جامعه دارد و نمی‌توان این کارکرد را از سایر حوزه‌های حقوقی و اداری انتظار داشت.

همچنین در این خصوص می‌توان به ماده ۱۲ از «قانون^۶ حفاظت و بهسازی محیط زیست مصوبه ۱۳۵۳/۳/۲۸ و اصلاحیه ۱۳۷۱/۸/۲۴» اشاره نمود که قانونگذار به منظور پیشگیری از جرایم محیطی، صاحبان یا مسئولان کارخانجات و کارگاه‌های موضوع ماده ۱۱ این قانون مکلفند به توقف از ادامه کار نموده است و اگر افراد از این قانون تخلف کنند به جزای نقدی و حبس مقرر در این ماده محکوم می‌شوند. ماده ۱۶ قانون^۷ مدیریت پسماند مصوب ۱۳۸۳ نیز به جهت پیشگیری از آلودگی‌های زیست محیطی اقدام به مجازات مرتکبین جرم در این حوزه نموده است و اشخاص متخلف را به حکم مراجع قضایی به جزای نقدی مقرر در این قانون محکوم می‌کند.

همچنین بر اساس قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع با متخلفان و مجرمانی که به محیط زیست در معنای کلی آن خسارت وارد کنند به طور جدی برخورد خواهد شد. در ماده ۴۲ و ۴۳ قانون مذکور، بریدن، ریشه‌کن کردن و سوزانیدن نهال و درخت و تهیه چوب و هیزم و ذغال از منابع ملی و توده‌های جنگلی ممنوع است. مرتکب در مورد بریدن و ریشه‌کن کردن و سوزانیدن هر اصله نهال به پرداخت جریمه نقدی و در مورد بریدن و ریشه‌کن کردن درخت و تهیه چوب و هیزم و ذغال به حبس تأدیبی از ۱۱ روز تا شش ماه و پرداخت جریمه نقدی نسبت به هر اصله درخت یا هر متر مکعب هیزم یا ذغال محکوم می‌شود. بریدن و ریشه‌کن کردن بوته‌ها، خارها و درختچه‌های بیابانی و کویری و کوهستانی در مناطق کویری و بیابانی ممنوع است. متخلف به حبس تکدیری تا ده روز با پرداخت غرامت نقدی محکوم و در صورت تکرار به هر دو مجازات محکوم خواهد شد. مهمترین ماده‌ای که در ارتباط با آتش زدن عمدی جنگل‌ها می‌توان به آن استناد کرد ماده ۴۷ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع^۸ است که مجازات سنگینی را برای مرتکبین این جرم تعیین کرده است. به موجب این ماده قانونی، هرکس در جنگل عمداً آتش‌سوزی ایجاد کند به حبس مجرد از سه تا ده سال محکوم خواهد شد و در صورتی که مرتکب، مأمور جنگلبانی باشد به حداکثر مجازات مذکور محکوم می‌شود.

ماده ۴۵ قانون مذکور نیز اشعار می‌دارد: آتش زدن نباتات در مزارع و باغات داخل یا مجاور جنگل بدون اجازه و نظارت مأموران جنگلبانی ممنوع است. در صورتی که در نتیجه بی‌مبالاتی، حریق در جنگل ایجاد شود مرتکب به حبس تأدیبی از دو ماه تا یک سال محکوم خواهد شد. بر اساس ماده ۴۶، هر کس مبادرت به کت زدن یا روشن کردن آتش در تنه درخت جنگلی نماید

ت - شکار و صید بدون پروانه در پارک‌های وحش.»

^۶ ماده ۱۲- «صاحبان یا مسئولان کارخانجات و کارگاه‌های موضوع ماده ۱۱ مکلفند به محض ابلاغ دستور سازمان، کار یا فعالیت ممنوع شده را متوقف و تعطیل نمایند. ادامه کار یا فعالیت مزبور منوط به اجازه سازمان یا رأی دادگاه صلاحیتدار خواهد بود. در صورت تخلف به حبس از شصت و یک روز تا یک سال و یا پرداخت جزای نقدی از پنج هزار و یک ریال تا پنجاه هزار ریال یا به هر دو مجازات محکوم خواهند شد.»

^۷ ماده ۱۶- «نگهداری، مخلوط کردن، جمع‌آوری، حمل و نقل، خرید و فروش، دفع، صدور و تخلیه پسماندها در محیط بر طبق مقررات این قانون و آیین‌نامه اجرایی آن خواهد بود. در غیر این صورت اشخاص متخلف به حکم مراجع قضایی به جزای نقدی در بار اول برای پسماندهای عادی از پانصد هزار (۵۰۰/۰۰۰) ریال تا یکصد میلیون (۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال و برای سایر پسماندها از دو میلیون (۲/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا یکصد میلیون (۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال و در صورت تکرار، هر بار به دو برابر مجازات قبلی در این ماده محکوم می‌شوند.» متخلفین از حکم ماده (۱۳) به جزای نقدی از دو میلیون (۲/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا یکصد میلیون (۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال و در صورت تکرار به دو برابر حداکثر مجازات و در صورت تکرار مجدد هر بار به دو برابر مجازات بار قبلی محکوم می‌شوند.

به حبس تأدیبی از سه ماه تا یک سال و برای هر درخت که کت یا پی‌زده و یا در آن آتش روشن کرده باشد به پرداخت جریمه نقدی محکوم خواهد شد.

در نهایت می‌توان به قانون هوای پاک مصوب ۱۳۹۶/۴/۲۵ به عنوان یکی از مهمترین قوانین زیست محیطی که رویکردی حمایتی (نسبت به حفظ محیط زیست) و جزایی (نسبت به ناقضین و متعدیان به محیط زیست) را دارد اشاره نمود. همچنان که آلوده نمودن هوا توسط افراد در ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ در گذشته به طور عام مورد جرم انگاری قرار گرفته بود و حتی در قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا مصوب ۱۳۷۴ نیز مورد تصریح قانونگذار قرار گرفته بود لذا به لحاظ پیشگیری از جرایم زیست محیطی در قبال آلودگی هوا، قانون هوای پاک مصوب مرداد ماه ۱۳۹۶ به تصویب رسید و تا حدود زیادی توانست به پیشگیری از جرایم زیست محیطی در این حوزه بپردازد.

۱-۲- از منظر متولیان

۱-۲-۱- راهبردهای دولت محور

هرچند اهمیت دادن به راهبردهای پیشگیرانه به جای توسل به تدابیر سرکوب‌گرانه، از اولویت برخوردار است، اما این امر تا حد زیادی به نوع نظام حاکم بر یک کشور وابسته است. دولت‌هایی که در پیشگیری از اقدامات مجرمانه، سیاست جنایی کُنشی را دنبال می‌کنند، از طریق حذف یا محدودسازی عوامل جرم‌زا و نیز مدیریت مناسب و مطلوب محیط‌های فیزیکی، بزهکاری را مهار می‌کنند. (حسینی؛ نوذری فردوسی، ۱۳۹۳: ۵) بنابراین دولت‌ها به عنوان نماینده جامعه، نقش محوری در پیشگیری وضعی از جرایم زیست محیطی داشته و به صورت انحصاری، همچنان از اختیارات زیادی در اتخاذ تدابیر وضعی و همچنین اجرا و نظارت بر آن‌ها برخوردارند؛ حتی برخی صاحب‌نظران بر این اعتقادند که انتخاب‌های بحرانی در خصوص محیط زیست را نمی‌توان به شهروندانی با اطلاعات ناقص و یا نمایندگان آن‌ها سپرد و این امر بایستی در انحصار دولت و متخصصان بوم‌شناسی باشد. (Eden, ۲۰۱۴: ۲۱) با وجود همه اینها بایستی توجه داشت که در دولت و سازمان‌های دولتی، ذهنیت نوآور وجود ندارد (کشاورزی، ۱۳۹۲: ۸) همچنین سازمان‌های دولتی، به اقدامات روتین و روزمره تمایل داشته و میل به نوآوری در اجرای وظایف سازمانی محدود است (افراسیابی؛ خالقی، ۱۳۹۵: ۴). اینجاست که ضرورت اتخاذ راهبردهای پیشگیرانه با مشارکت جامعه مدنی و نهادهای غیردولتی، بیش از پیش آشکار می‌گردد.

۱-۲-۱- راهبردهای مشارکتی

به موازات گسترش پدیده مجرمانه، حکومت‌ها و نیز پژوهشگران دانشگاهی درصدد برآمدند که از روش‌های مکمل و مدرن فرا حکومتی و چند ساحتی برای مبارزه و پیشگیری از گسترش جرایم استفاده کنند. از یک سو حکومت و حکمرانی نیز ناگزیر پیچیده شده و از روش‌های یک سویه و قدیمی حکمرانی فاصله گرفته‌اند و به سمت روش‌های دو سویه و تعاملی یا همکاری جویانه با جامعه گرایش پیدا کرده‌اند؛ از سوی دیگر با اثبات عدم کفایت روش‌های کنترلی و تنبیهی حکومتی، روش‌های جامعه بنیاد و راهبردهای مشارکتی مطرح و اهمیت یافته‌اند (سردارنیا؛ سالاری شهربابکی، ۱۳۹۸: ۲). همانگونه که پیشتر نیز اشاره گردید، تحقق اهداف عالی زیست محیطی بدون توجه به مشارکت سازمان‌های غیردولتی در مراحل مختلف شکل‌گیری هنجارهای زیست محیطی و نظارت و اجرای آن‌ها دشوار است؛ بالطبع تدابیر پیشگیرانه وضعی از جرایم زیست محیطی نیز مستثنی از قاعده فوق نبوده و گاه نیازمند مشارکت جامعه مدنی و نهادهای غیردولتی با سازمان متولی به منظور حصول کارایی بیشتر می‌باشند. در خصوص رویکرد کلی مسئولان و قانونگذار ایران به بحث مشارکت، در مجموع می‌توان قائل به نظر مثبت به امر مشارکت بود، اما، تبلور این عزم در مقرره‌های داخلی به نحوی نیست که بتوان از مهیا شدن شرایط قانونی و زمینه‌های مناسب جهت مشارکت

فعال و کارآمد محیط زیستی سخن گفت. به نظر می‌رسد رویکرد مسئولان به مشارکت در معنای استفاده از نیروی کار داوطلب در اجرای طرح هاست و نه اعطای حقوق و تکالیف محیط زیستی به شهروندان به همراه الزامات اصولی آن می‌باشد (علی نژاد، ۱۳۹۵: ۱۸۸).

۲- چالش‌های پیشگیری وضعی در قبال جرایم زیست محیطی

۲-۱- مغایرت با آزادی‌های فردی و حقوق بنیادین افراد

با وجود اینکه پیشگیری از جرم، نقش مؤثری در دسترسی شهروندان به جلوه‌های اساسی حقوق بشری ایفا می‌نماید، گاه چگونگی اجرای روش‌های آن و حتی چرایی گزینش آن‌ها با آموزه‌های حقوق بشری برخورد می‌کند (نیازپور، ۱۳۹۳: ۱۵). پیشگیری وضعی نیز از این قاعده مستثنی نبوده و اجرای آن با چالش حقوق بشری مواجه است؛ ماده ۱۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸) و ماده ۱۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶) مداخله در زندگی خصوصی افراد از طریق انواع مراقبت را منع نموده‌اند. در حقوق ایران نیز نویسندگان قانون اساسی با شناسایی موازین حقوق بشری مربوط به این راهبرد، «اصل کرامت‌مدار بودن پیشگیری از جرم» را به رسمیت شناخته‌اند. به موجب بند ۶ اصل دوم، نظام جمهوری اسلامی ایران بر پایه ایمان به «کرامت و ارزش والای انسانی و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا» استوار است. بر این اساس در همه عرصه‌ها از جمله در سراسر فرآیند پیشگیری از جرم (از لحظه سیاست‌گذاری تا اجرای روش‌ها) باید ملاحظات حقوق بشری و کرامت انسان‌ها را در نظر داشت (همان: ۱۶) یکی از انتقادات صحیحی که همواره به تدابیر پیشگیرانه وضعی وارد است، مغایرت برخی از آن‌ها با آزادی‌های فردی و حقوق بنیادین اشخاص است؛ به عنوان مثال در پیشگیری از جرایم زیست محیطی، تدابیری از قبیل نصب دوربین‌های نظارتی و مانیتورینگ سطح شهر به منظور حفاظت از فضای سبز ممکن است منجر به دخالت در حریم خصوصی و آزادی‌های افراد نیز گردد؛ همچنین ساماندهی آمرانه برخی مشاغل مزاحم محیط زیست شهری و الزام آن‌ها به انتقال به اماکن دیگر، ممکن است با حق آزادی اشتغال افراد^۸ در تعارض و تزاخم باشد.

۲-۲- کاهش مشارکت عمومی

با توسعه دوربین‌های مراقبت، نقش مردم در تأمین امنیت کمرنگ می‌شود؛ یعنی این ساز و کار که به منظور ایفای نقش بازدارندگی نسبت به بزهکاران مورد استفاده قرار می‌گیرد، اثر عکس خواهد گذاشت. به بیان دیگر، در این حالت، تأمین امنیت به دست یک اپراتور سپرده شده و در عمل شهروند، از یک کنش‌گر به تماشاگر تبدیل شده است. در واقع مراقبت ویدئویی به نوعی در کاهش احساس مسئولیت افراد نسبت به موضوعاتی که در اطرافشان، آرامش آنان را تهدید می‌کند، شرکت کرده است. حال در این شرایط، چگونه می‌توان هم مدافع سرسخت مراقبت ویدئویی بود و هم ادعا کرد که پیشگیری امری مربوط به همه است؟ بنابراین این ساز و کار به جای اینکه در خدمت بشر باشد، در خدمت قدرت درآمده است (ابراهیمی؛ رجبی، ۲۵). بنا به دلایل پیش گفته است که عده‌ای بر این اعتقادند که استفاده بیش از حد از تدابیر پیشگیری وضعی، رشد بیگانگی مردم و تخریب جوامع را موجب می‌شود (Felson, ۲۰۱۶: ۱۸). در خصوص جرایم زیست محیطی نیز اجرای یک جانبه سیاست‌هایی چون پایش محیط زیست و طرح‌هایی چون دیده‌بان آلودگی هوا با تجهیزات نظارتی و سنسورهای پیشرفته، در عمل باعث کاهش مشارکت و

^۸. به موجب این حق، نه تنها شخص باید بتواند شغل خود را آزادانه انتخاب کند؛ بلکه باید بتواند نسبت به امنیت شغلی و ثبات شغلی خود نیز مطمئن باشد و در زمان بیکاری از وی حمایت بدون شرطی بشود. میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی یکی از اسناد مهم حقوق بشری است که در ماده (۶) آن، از این حق سخن گفته شده است؛ این ماده بیان می‌دارد: «کشورهای طرف این میثاق حق کار کردن را که شامل حق هر کس است به اینکه فرصت یابد به وسیله کاری که آزادانه انتخاب یا قبول می‌کند، معاش خود را تأمین کند، به رسمیت می‌شناسند و اقدامات مقتضی را برای حفظ این حق معمول خواهند داشت...».

مسئولیت‌پذیری شهروندان و سازمان‌های مردم‌نهاد غیردولتی در اقدامات پیشگیرانه وضعی، برخلاف اقدامات پیشگیرانه اجتماعی گردیده است.

۲-۳- جابجایی بزهکاری^۹

یکی از ایراداتی که در مورد پیشگیری وضعی مطرح شده، موضوع جابجایی بزهکاری پس از اعمال تدابیر پیشگیری وضعی می‌باشد. منتقدین بر این اعتقادند که اقدامات پیشگیرانه وضعی به جای آنکه مجرمان را مجبور به اعراض از عمل مجرمانه نماید، موجب جابجایی بزهکاری از مکانی به مکان دیگر، از زمانی به زمان دیگر یا از آماجی به آماج دیگر می‌گردد. از آنجایی که هدف اصلی پیشگیری از جرم آن است که افراد دارای انگیزه مجرمانه از ارتکاب جرم منصرف شوند و آن را ترک نمایند، لذا باقی بودن انگیزه مجرمانه و هدایت کردن مجرمان به دیگر زمان‌ها، مکان‌ها یا آماج‌ها، به عنوان یکی از نقاط ضعف این روش پیشگیری به حساب می‌آید. در خصوص جرایم زیست محیطی همانگونه که در ادامه و در مورد کلان شهر اصفهان به طور خاص نیز مشاهده خواهیم نمود، اتخاذ و اجرای تدابیر پیشگیرانه وضعی، اگرچه باعث عدم ارتکاب جرم زیست محیطی یا تقلیل آثار آن در یک نقطه خاص مکانی و جغرافیایی می‌گردد، لیکن تضمینی برای جابجایی جرم و آثار مترتب بر آن، به نقطه دیگر وجود ندارد.

۴-۲- محدودیت در تأمین محیط زیست پایدار

هنگامی که تأمین محیط زیست پایدار و محافظت از آن، منحصرأ به فناوری‌های نوین نظارتی و سامانه‌های برخط متکی باشد، این پایداری، آسیب‌پذیر و شکننده بوده و هر لحظه امکان اختلال یا از کار افتادن فناوری‌ها و سامانه‌های مزبور، موجود است. همچنان که مواردی نیز وجود دارد که هرگز پیش‌بینی نشده و راه حل آن نیز تدارک دیده نشده است. به عنوان نمونه می‌توان به محافظت از درختان - به مثابه یکی از آماج‌های اصلی جرایم زیست محیطی - از طریق نصب پلاک‌های الکترونیکی اشاره نمود؛ چنانچه به هر دلیل در سیستم الکترونیکی و بارکد پلاک‌های مزبور خللی وارد شود، ارائه راه‌حل جایگزین، امری دشوار یا حداقل زمان‌بر خواهد بود. علاوه بر آنچه گفته شد، چنانچه بخواهیم مشکلات زیست محیطی را فقط از طریق فناوری‌ها و سامانه‌های نوین حل کنیم، ممکن است به جامعه روبات‌ها تبدیل شویم. لذا نباید صرفاً به فناوری تکیه کرد و باید از شهروندان نیز کمک خواست. داشتن فناوری دلیل استفاده افراطی و بی حد و مرز از آن نیست.

نتیجه‌گیری

آنچه از تأمل بر مطالب پیش گفته در پژوهش حاضر در خصوص «چالش‌ها و راهبردهای پیشگیرانه وضعی در قبال جرایم زیست محیطی» می‌توان استنتاج نمود، در وهله اول به کارگیری متعادل و متناسب از فناوری‌های نوین است که با نیازهای جامعه و همسو با کرامت انسانی افراد در جهت پیشگیری وضعی در قبال جرایم زیست محیطی می‌باشد، چرا که اگر هر کدام از این موارد به درستی و در جایگاه اصلی خود در مقررات و قوانین موضوعه قرار نگیرند می‌تواند به آزادی‌های فردی و اجتماعی افراد لطمه وارد سازد و عملاً به جای اینکه مفید واقع شود در مسیر مخالف حرکت کند. فلذا آنچه از یافته‌های پژوهش حاضر به عنوان راهبردی کارآمد و معقول بر می‌آید ایجاد همبستگی و مشارکت عمومی در کنار استفاده از فناوری و سایر روش‌های مرسوم در پیشگیری وضعی می‌باشد.

^۹. Crime dislocation.

در وهله دوم مکانیزه نمودن روش‌های پیشگیری وضعی نباید مغایرتی با استفاده همزمان از نظارت مستقیم افراد و نهادهای غیردولتی که قصد مشارکت در حوزه مقابله با جرایم زیست محیطی را دارند داشته باشد، چراکه مسلماً ایجاد فیلترهای نظارتی (انسانی و سیستمی) متعدد در بهبود روند پیشگیری از جرایم زیست محیطی کمک بسزایی را انجام می‌دهد و هر چه تعامل این دو با متولی اصلی پیشگیری (دولت) بیشتر باشد، توفیق بهتری در مقابله، کنترل و کاهش جرایم زیست محیطی می‌توان یافت. همچنین از رهگذر موارد قبل می‌توان اذعان نمود اشکالات و اختلالات شایع در حین به کارگیری از روش‌های پیشگیری وضعی مکانیزه نیز یکی از چالش‌هایی می‌باشد که نمی‌توان از آن غافل بود و راهبردی مناسب به جز بهره‌مندی موازی از نیروی انسانی در کنار استفاده از سامانه‌های هوشمند (دوربین‌های نظارتی، اتوماسیون، پلاک الکترونیک و...) را به دنبال ندارد تا در زمان بروز اشکال و خطا در این موارد، نظارت‌های انسانی بتواند کماکان در راستای پایش وضع موجود به متولیان و مسئولین امر در جهت مقابله با جرایم زیست محیطی یاری رسانی کنند.

در نهایت می‌توان گفت، فرضیه موجود در پیشگیری وضعی، دقیقاً مخالف جبرگرایی بوده و مبانی نظری و جرم شناختی آن را می‌توان در نظریاتی همچون نظریه کاهش فرصت مجرمانه و نیز نظریه فعالیت‌های روزمره جستجو نمود. اگرچه پیشگیری وضعی، به علت شناسی جرم و مطالعه عوامل بزهکاری از منظر مشکلات اجتماعی و اقتصادی توجه نداشته و صرفاً به دنبال اتخاذ اقداماتی است که در تصمیم بزهکاران بالقوه تأثیر گذاشته و در شرایط مادی و فیزیکی ماقبل ارتکاب جرم مؤثر واقع شده است، با این وجود از این حیث نتایج بهتر و هزینه‌ی کمتری را برای جامعه به همراه داشته و بار کمتری را بر دوش افراد جامعه تحمیل نموده است و به لحاظ بازدهی سریعتر این شیوه‌ی پیشگیری، در کشور ما از سوی مسؤولان قضایی و نیروهای انتظامی، با استقبال بیشتری مواجه شده است. ولی در مقابل به علت عدم مشارکت عمومی و ایجاد همبستگی میان آحاد مردم و نهادهای غیردولتی (به صورت فرهنگ سازی، حمایت از محیط زیست به عنوان یک وظیفه عمومی) از توفیق مطلوبی جهت پیشگیری وضعی در قبال جرایم زیست محیطی برخوردار نشده است و عمده علت آن دور نمودن مردم از مسئولیت‌پذیری نسبت به حمایت از محیط زیست به عنوان یک وظیفه عمومی در این حوزه و مکانیزه نمودن شیوه‌های پیشگیری وضعی می‌باشد.

فلذا راهکارهای زیر برگرفته از یافته‌های پژوهش حاضر در جهت توسعه وضعیت حاکم، «پیشگیری وضعی در قبال جرایم زیست محیطی» مفید فایده می‌باشد:

۱- به کار گیری همزمان از نیروی انسانی در کنار فناوری نوین و اتوماسیون جهت پیشگیری وضعی در قبال جرایم زیست محیطی.

۲- فرهنگ سازی عمومی جهت حفظ محیط زیست؛ از طریق آموزش حین تحصیل به عنوان یک وظیفه جهت پیشگیری وضعی در قبال جرایم زیست محیطی.

۳- تقنین قوانین کارآمد و متناسب با وضع موجود و ایجاد ضمانت اجراهای معقول و مناسب به لحاظ بازدارندگی از جرم و عدم میل به تکرار جرم.

۴- تعیین مجازات‌های متناسب با نوع جرم و رفتار ارتكابی و حتی المقدور جایگزین حبس در جرایم سبک توسط مقام قضایی، به لحاظ تنبه و بازگشت پذیری فرد به جامعه.

۵- استفاده از ظرفیت‌های صدا و سیما در راستای اجرای ماده ۳۳ «قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا» به منظور همکاری با سازمان حفاظت محیط زیست، جهت تنویر افکار عمومی با ساختن برنامه‌های مناسب جهت آموزش قوانین و مقررات و مسایل مربوط به حفاظت محیط زیست.

منابع

الف) فارسی

۱. ابراهیمی، شهرام؛ رجبی، ابراهیم (۱۳۸۹)، «پیشگیری در نظریه‌های جرم‌شناسی و گستره محدودیت‌های آن»، فصلنامه آموزه‌های حقوقی (آموزه‌های حقوق کیفری فعلی)، شماره ۱۳، صص ۱۵-۳۸.
۲. افراسیابی، علی (۱۳۹۵)، «پارادایم‌های حاکم بر پیشگیری وضعی از جرم»، مجله مطالعات پیشگیری از جرم، شماره ۱۷، صص ۱۹۱-۲۱۴.
۳. بابایی، محمدعلی؛ انصاری، اسماعیل (۱۳۹۸)، «تحلیل هزینه‌های جرم»، فصلنامه نامه مفید، شماره ۲ (پیاپی ۹۴)، صص ۷۹-۹۸.
۴. جوان جعفری، عبدالرضا؛ سیدزاده ثانی، سید مهدی (۱۳۹۶)، **رهنمودهای عملی پیشگیری از جرم**، چاپ اول، تهران: انتشارات میزان.
۵. چاله چاله، فرشید (۱۳۸۷)، «اصول و مبانی پیشگیری از جرم»، ماهنامه دادگستری، سال ۱۲، شماره ۶۸، صص ۴-۱۰.
۶. حسینی، سید محمد؛ نوزری فردوسی، محمد (۱۳۹۳)، «سیاست جنایی اسلام در قبال فساد اداری و مطالعه تطبیقی با موازین بین‌المللی»، فصلنامه مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دوره ۱، شماره ۱، صص ۸۳-۱۰۲.
۷. رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۹۲)، «رهیافتی نو به بنیان‌های نظری پیشگیری از جرم»، مجله حقوقی دادگستری، شماره‌های ۴۸ و ۴۹، صص ۱۲۳-۱۶۸.
۸. سردارنیا، خلیل‌الله؛ سالاری شهر بابکی، میرزا مهدی (۱۳۹۸)، «واکوی پیشگیری از جرایم در ایران با تمرکز بر نظریه سیستمی در علوم سیاسی»، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، سال ۷، شماره ۲۷، صص ۴۳-۷۴.
۹. صفاری، علی (۱۳۹۸)، «مبانی نظری پیشگیری از وقوع جرم»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۳۳ و ۳۴، صص ۲۶۷-۳۲۲.
۱۰. علی نژاد، آذر (۱۳۹۵)، **سیاست جنایی مشارکتی در حوزه جرایم محیط زیستی**، رساله دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
۱۱. قوام، میرعظیم (۱۳۷۵)، **حمایت کیفری از محیط زیست**، چاپ اول، تهران: انتشارات سازمان حفاظت محیط زیست.
۱۲. کشاورزی، علی حسین (۱۳۹۲)، **مدیریت دانش برای بهره‌وری**، چاپ اول، تهران: نشر مرکز آینده‌پژوهی و مدیریت دانش انتظامی سازمان مطالعات و تحقیقات ناجا.
۱۳. محمد نسل، غلامرضا (۱۳۸۹)، «اصول و مبانی نظریه فرصت جرم»، فصلنامه حقوق، دوره ۳۷، شماره ۳، صص ۲۹۳-۳۲۲.
۱۴. میرخلیلی، سید محمود (۱۳۸۸) (۱)، **پیشگیری وضعی از بزهکاری با نگاهی به سیاست جنایی اسلام**، چاپ اول، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۵. میرخلیلی، سید محمود (۱۳۹۸)، «پیشگیری وضعی از نگاه آموزه‌های اسلام»، فصلنامه فقه و حقوق سابق (حقوق اسلامی کنونی)، شماره ۱، صص ۵۹-۷۶.
۱۶. نیازپور، امیرحسین (۱۳۹۳)، «اساسی‌سازی حقوق پیشگیری از جرم در ایران»، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، سال ۲، شماره ۶، صص ۹۱-۱۱۱.

ب) انگلیسی

- ۱- Felson, M (۲۰۱۶), *Crime and Everyday Life*, ۲nd edn. Thousand Oaks, CA: Pine Forge Press.
- ۲- Eden, Sally (۲۰۱۴), *Public participation in environmental policy: considering scientific, counter-scientific and non-scientific contributions*, *Public Understanding of Science*, Vol. ۵, No. ۳, ۱۸۳-۲۰۴.
- ۳- Clarke, Ronald v (۲۰۱۵), *Situational Crime Prevention*, In Michael Tonry and David P. Farrington [eds], *Building a Safer Society: Strategic Approaches to Crime Prevention*, Crime and Justice, Vol. ۱۹, Chicago, IL: University of Chicago Press, ۱۹۹۵.